یادداشت

عملکرد یک ساله دولت

حسین کنعانی مقدم
فعال سیاسی اصولگرا

خط کش اندازه گیری عملکرد اقتصادی دولت و برنامه ۵ ساله ششم کاملا مشخص است و اگر بخواهیم شاخص‌ها را ملاک قضاوت برای تعیین میزان کارآمدی دولت قرار دهیم هر کدام از مسائل در جای خود قابل تحلیل است. طبق برنامه ما باید به نرخ رشد ۸ درصد برسیم که هنوز اگر منفی نباشیم رشد شاخص چندان مثبتی هم نداشته‌ایم. در بحث تورم باید به نرخ ۸ درصد برسیم و تورم نقطه به نقطه خیلی بیش از آن چیزی است که اعلام می‌شود و در بعضی موارد تا ۴۰ درصد و ۵۰ درصد در کالاهایی که ضرورت سبد غذایی مردم است افزایش داریم. در رابطه با نرخ بیکاری تلاش‌های زیادی برای تولید شغل شده اما ما باید خود را به نرخ بیکاری زیر ۸ درصد برسانیم که اکنون خیلی بالاتر از این‌هاست. در رابطه با بحث نرخ سود بانکی اگر بخواهیم منابع مالی وارد چرخه تولید شود باید نرخ سود را به زیر ۸ درصد برسانیم که اکنون در بازار چیزی حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد قابل رویت است. بحث دیگر ماجرای بازار سرمایه و بورس بوده که خیلی از سهامداران بالای ۶۰ تا ۷۰ درصد ضرر دادند و مردم که سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند در این خصوص لطمه زیادی دیدند و یکی از شعارهای دولت این بود که بتواند بازار سرمایه را سر و سامان دهد و مشکلات را حل کند. بحث نرخ سرمایه‌گذاری خارجی و شرایطی که در این خصوص وجود دارد نیز مساله دیگری است که باید بدان پرداخت. در شرایط فعلی و ریسک بالای سرمایه‌گذاری در ایران باید به جذب سرمایه‌گذاری تا ۸ درصد می‌رسیدیم اما اکنون می‌بینیم که این جذب نه تنها مثبت نیست بلکه در شاخص‌های منفی قرار دارد. از سوی دیگر ضریب جینی و شاخص فلاکت و فاصله طبقاتی طی یک سال اخیر باید کاهش پیدا می‌کرد اما این اتفاق نیفتاده است. گرچه تلاش‌های زیادی در حوزه ساخت مسکن محرومین و کمک‌هایی که در راستای پرداخت یارانه‌های نقدی و قشر آسیب پذیر انجام گرفت. افزایش حقوق کارگران و کارمندان همه نشان می‌دهد که دولت عزم و اراده‌ای برای حل مشکلات دارد اما در اقدام و عمل آنطور که باید نتوانسته عملکرد خوبی از خود به نمایش بگذارد. در نتیجه وقتی کارنامه عملکردی یک ساله دولت را نگاه می کنیم این مساله به خوبی مشاهده می‌شود که دولت مانند دانش‌آموز درس خوان و پر تلاشی بوده که درس‌های خود را نیز به خوبی خوانده، اما در برگه امتحانی نمرات چندان خوبی ندارد، هرچند که اصلاحات اقتصادی نیز نیازمند زمان است و نمی‌توانیم بگوییم که دولت در یک سال تمامی مشکلات را حل کند. به هر حال شعارهایی که داده شده و احیانا عدم عمل به آنها باعث می‌شود که قضاوت‌های مردم به لحاظ اعتمادی که به مسئولان دارند کاهش پیدا کند.

نگـــاه

کوروش احمدی:

فرانسه نمی‌تواند میانجی نزدیکی دیدگاه‌های ایران و آمریکا باشد

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل در خصوص گفت‌وگوی تلفنی رئیس‌جمهور کشورمان و رئیس‌جمهور فرانسه و اهداف آن اظهار داشت: اطلاعات چندانی نه از جانب ایران و نه از جانب فرانسه در مورد محتوای این تماس نسبتا طولانی تلفنی منتشر نشده است. در بیانیه‌هایی که توسط الیزه و نیز نهاد ریاست‌جمهوری ایران منتشر شده، هر یک بر نظراتی که خود ابراز کرده‌اند متمرکز بوده و به اموری که مورد اختلاف یا اتفاق نظر بوده، نپرداخته‌اند. کوروش احمدی گفت: در بیانیه طرف ایرانی به طرح برخی از شرایط ایران برای احیای برجام مانند ارائه تضمین در مورد انتفاع کامل اقتصادی ایران از برجام و حل کامل موضوعات مربوط به پادمان در آژانس و انتقاد ایران از قطعنامه اخیر شورای حکام آژانس و مسائلی مانند اینها اشاره شده است. مطابق بیانیه طرف فرانسوی، مکرون از سرخوردگی فرانسه به‌خاطر عدم پیشرفت در کار احیای برجام و لزوم «انتخاب روشن» توسط ایران در این مورد و اینکه برجام هنوز قابل احیاست و این کار باید هرچه زودتر انجام شود، گفته و خواستار آزادی اتباع فرانسوی زندانی در ایران شده است. این کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل با بیان اینکه ظاهرا هدف ماکرون از این تماس تلفنی رسیدن به برآوردی از اینکه آیا تحولی در مواضع ایران ایجاد شده و می‌تواند امیدی به آینده برجام داشته باشد یا خیر و اینکه آیا شرایط به گونه‌ای هست که فرانسه بتواند دست به ابتکاری برای نزدیک کردن مواضع ایران وآمریکا به هم بزند یا خیر؟ بوده است، افزود: اگر این بیانیه‌ها را کم و بیش حاوی کل تمام آن چیزی بدانیم که در این مکالمه مطرح شده، باید نتیجه بگیریم که عملا کار به تکرار مواضع ختم شده و تحولی در نتیجه این مکالمه حاصل نشده است. وی افزود: اما این بیانیه‌ها ممکن است حاوی تمام گفت‌وگوها نباشد. ممکن است هدف اصلی ماکرون از اشاره به ضرورت «انتخاب روشن» در واقع تاکید بر فوریت کار و لزوم تصمیم‌گیری فوری بوده باشد. همزمانی تقریبی این تماس تلفنی با مقاله جوزپ بورل در فاینشنال تایمز مبنی بر اینکه هر کاری که باید می‌شد، شده است و اکنون زمان تصمیم گیری است، این احتمال را تقویت می‌کند. احمدی در خصوص اینکه فرانسه چه کمکی می‌تواند به نزدیک کردن دیدگاه‌های ایران و آمریکا کند اظهار کرد: واقعیت این است که سه کشور اروپایی طی ماه‌های اخیر آنقدر به آمریکا نزدیک شده و مواضع‌شان مشابه مواضع آمریکا بیانیه‌های مشترک متعددی که این چهار کشور منتشر کرده‌اند (از جمله بیانیه ۳۰ اکتبر ۲۰۲۱) و بیانیه‌های سفرای آنها در شورای امنیت و مهم‌تر از همه پیش‌نویس قطعنامه اخیر در شورای حکام حکایت از درجه نزدیکی مواضع آنهاست. این در حالی است که در زمان ترامپ تفاوت مواضع فرانسه با دولت ترامپ واضح بود و فرانسه به عنوان یکی از متحدان آمریکا تلاش‌های دامنه‌داری را برای نزدیک کردن ایران و آمریکا بهم و از جمله تعدیل مواضع ترامپ انجام داد؛ ضمن اینکه خواسته‌های زیاده‌خواهانه نیز از ایران مطرح می‌کرد به امید اینکه بتواند نظر ترامپ را برای نوعی تعامل جلب کند. مشکل دیگر در راه ایفای نقشی توسط فرانسه این است که در شرایط کنونی عمدتا دایره سیاست خارجی اتحادیه اروپا عهده‌دار ایفای نقش برای نزدیک کردن دیدگاه‌های ایران و آمریکا به هم است. این هم دلیلی است مزید بر دلیل نخست که ممکن است به فرانسه برای ایفای نقشی موازی کمک نکند.

حسن بهشتی پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

پیشنهاد کشورهای اروپایی می‌تواند سبب احیای برجام شود

- ایران حق دارد از منافع اقتصادی برجام استفاده کند
- ایران پیشنهاد کشورهای اروپایی را قابل مذاکره می‌داند
- ایران نمی‌تواند روی بحران انرژی اروپا برای چانه‌زنی بیشتر حساب کند
- تلاش برای توافق محدود نیز می‌تواند به خروج از بن‌بست برجام کمک کند
- انعطاف‌ناپذیری آمریکا یکی از چالش‌های احیای برجام است

«آرمان ملی»- احسان انصاری: در حالی که برجام در کما به سر می‌برد جوزف بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا از ارائه پیشنهادی به طرفین برای رسیدن به توافق خبر داده است؛ پیشنهادی که هنوز اطلاعاتی از محتوای آن وجود ندارد و مشخص نیست چه پیشنهاداتی به ایران برای رسیدن به توافق شده است. بورل و دستیارش مورا این پیشنهاد را آخرین شانس ایران و آمریکا برای رسیدن به توافق می‌دانند و معتقدند اگر این پیشنهاد به نتیجه نرسد شرایط برای رسیدن به توافق سخت خواهد شد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی پیشنهاد جدید اروپا به ایران و آینده برجام با حسن بهشتی‌پور، تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. بهشتی‌پور معتقد است: «اگر ایران گمان می‌کند در شرایط کنونی می‌تواند با چانه زنی بیشتر امتیاز بیشتری بگیرد به نظر من نباید این روند را ادامه بدهد. در شرایط کنونی برخی از خطوط قرمز ایران در این پیشنهاد به رسمیت شناخته شده است بهتر است از این پیشنهاد استقبال کند. احیای برجام و بازگشت ایران به بازار انرژی جهان قطعا به سود ایران است. این وضعیت به سود همه کشورهای جهان است. پس از تحریم روسیه کشورهای جهان با یک تحریم وسیع درباره نفت و گاز و با چالش‌های مهمی مواجه شده‌اند.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا از پیشنهاد کشورهای اروپایی برای به نتیجه رسیدن برجام خبر داده و عنوان کرده این پیشنهاد می‌تواند برجام را از بن‌بست کنونی خارج کند. آیا از محتوای این پیشنهاد اطلاعی در دست است؟ موضع ایران و آمریکا نسبت به این پیشنهاد چه بوده است؟

پیشنهاد کشورهای اروپایی به صورت محرمانه بوده و هنوز جزئیات دقیقی از آن در دسترس نیست. پس از ارائه پیشنهاد آقای باقری و تیم مذاکره کننده هسته‌ای در حال بررسی این پیشنهاد هستند. آقای مرندی از کسانی که به تیم مذاکره کننده نزدیک هستند در مصاحبه‌ای که اخیرا منتشر شده عنوان کرده روند بررسی‌ها رو به جلو است. براساس اظهارات آقای مرندی در این پیشنهاد بخشی از خواسته‌های ایران مورد توجه قرار گرفته اما همه خواسته‌های ایران مورد پذیرش قرار نگرفته است. از فحوای کلام آقای مرندی چنین برمی‌آید که پیشنهاد به شکلی نبوده که ایران آن را به صورت کلی رد کند و بلکه آن را قابل مذاکره می‌داند. از سوی دیگر آقای باقری نیز یک توئیت منتشر کرده بود که در آن اعلام کرده بود نظرات ایران در این پیشنهاد لحاظ نشده است. در چنین شرایطی آقای بورل و مورا عنوان کرده بودند پیشنهاد اخیری که کشورهای اروپایی داده‌اند بهترین پیشنهادی بوده که در شرایط کنونی می‌توانسته به طرفین داده شود. به نظر می‌رسد این اظهارات بیشتر با هدف فضاسازی صورت می‌گیرد. واقعیت این است که ما باید بدون در نظر گرفتن این فضاسازی‌ها این نکته را در نظر بگیریم که در پیشنهاد کشورهای اروپایی به چه میزان خواسته‌های ایران در نظر گرفته شده است. من معتقدم اگر ایران گمان می‌کند در شرایط کنونی می‌تواند با چانه‌زنی بیشتر امتیاز بیشتری بگیرد به نظر من نباید این روند را ادامه بدهد. در شرایط کنونی برخی از خطوط قرمز ایران در این پیشنهاد به رسمیت شناخته شده است بهتر است از این پیشنهاد استقبال کند. احیای برجام و بازگشت ایران به بازار انرژی جهان قطعا به سود ایران است. این وضعیت به سود همه کشورهای جهان است. پس از تحریم روسیه کشورهای جهان با یک تحریم وسیع درباره نفت و گاز مواجه شده‌اند و با چالش‌های مهمی مواجه شده‌اند.

آیا در شرایطی که کشورهای غربی با بحران انرژی مواجه شده‌اند با چانه‌زنی بیشتر احتمال گرفتن امتیازهای بیشتری برای احیای برجام وجود ندارد؟

در شرایط کنونی کشورهای غربی با بحران انرژی مواجه هستند در این موضوع تردیدی وجود ندارد. با این وجود در این موضوع که ایران بتواند از این شرایط به سود خود بهره ببرد تردیدهایی وجود دارد. شرایط به شکلی نیست که ایران بتواند در این شرایط برگ برنده بحران انرژی اروپا را به دست بیاورد. در شرایط کنونی ایران باید تلاش کند تحریم‌ها را لغو و با این کار اقتصاد خود را ساماندهی کند. اگر فواید احیای برجام به اقتصاد ایران تزریق شود امکان افزایش تولید در کشور به وجود می‌آید که این اتفاق آسیب‌پذیری تحریم‌ها را کاهش می‌دهد. این رویکرد مستلزم این است که تحریم‌ها حتی به صورت محدود لغو شود. لغو تحریم‌ها این فرصت را به ما می‌داد که هم درآمد اقتصادی خود را افزایش بدهیم و هم در زمینه اقتصادی اصلاحاتی را انجام بدهیم. امروز نظام تولید در کشور در شرایط سختی قرار گرفته و با چالش‌هایی مواجه است. بدون تردید اصلاح نظام تولید می‌تواند آسیب‌پذیری اقتصاد ایران نسبت به تحریم‌ها را کاهش بدهد.

> در شرایط کنونی کشورهای غربی با بحران انرژی مواجه هستند در این موضوع تردیدی وجود ندارد. با این وجود در این موضوع که ایران بتواند از این شرایط به سود خود بهره ببرد تردیدهایی وجود دارد. شرایط به شکلی نیست که ایران بتواند در این شرایط برگ برنده بحران انرژی اروپا را به دست بیاورد

چرا در شرایطی که ایران و آمریکا به احیای برجام نیاز دارند اما انعطاف لازم از سوی دو طرف مشاهده نمی‌شود؟

گره اصلی برجام انعطاف‌ناپذیری آمریکا در مقابل خواسته‌های بحق ایران است. به هر حال این حق طبیعی ایران است که اگر برجام احیا شود بتواند از منافع اقتصادی احیای برجام استفاده کند. این در حالی است که آمریکا تلاش می‌کند حداکثر امتیاز را از ایران بگیرد و کمتر امتیاز بدهد. از سوی دیگر نیز ایران با توجه به بحران اوکراین و درگیری روسیه و غرب به دنبال این است که چانه‌زنی بیشتری کند تا بتواند امتیازهای بیشتری به دست بیاورد. من معتقدم این موضوع در ظاهر خوب است اما در باطن آن چیزی که اتفاق می‌افتد از دست دادن فرصت است. در شرایط کنونی مردم کشور با وضعیت اقتصادی خوبی مواجه نیستند و دشواری‌هایی را تحمل می‌کنند. معتقدم برجام چارچوبی بود که منافع ایران را از بُعد امنیتی و سیاسی تأمین می‌کرد اما به لحاظ اقتصادی نتوانست وعده‌هایی که رئیس‌جمهور قبلی داده بود را محقق کند اما این به این معنا نیست که کل برجام بی‌فایده بوده است. ایران انتظار داشت که به اهداف اقتصادی برجام دست پیدا کند تا در این راستا تحریم‌ها پایان یابد اما این مهم محقق نشد، از این جهت ایران اکنون چانه‌زنی سیاسی می‌کند که آمریکا بپذیرد ایران از اثرات اقتصادی برجام بهره‌مند شود. نمی‌شود که ایران به برجام بازگردد بدون اینکه منافع حاصل از برجام در بخش اقتصادی را داشته باشد. در هر صورت هم ایران و هم آمریکا چانه‌زنی سیاسی می‌کنند که حداقل امتیاز را بدهند و حداکثر امتیاز را دریافت کنند. اما متأسفانه این موضوع امروز به یک بن‌بستی رسیده است. از طرفی آمریکا نیاز دارد که نفت و گاز ایران به بازارهای بین‌المللی برگردد و حداقل در زمستان آینده قیمت نفت افزایش پیدا نکند. درست است که ایران با روسیه، چین و ترکیه توافق کرده و معطل نتیجه برجام نیست اما باید واقع‌بینانه در نظر داشته باشیم مادامی که تحریم‌ها علیه ایران ادامه داشته باشد عملا نمی‌توانیم از شرایط عادی صادرات و واردات بهره‌مند شویم. ایران و آمریکا محکم مواضع خود را حفظ کرده‌اند و به دنبال این هستند که طرف مقابل را به تجدیدنظر وادار کنند.

> گره اصلی برجام انعطاف ناپذیری آمریکا در مقابل خواسته‌های حق ایران است. به هر حال این حق طبیعی ایران است که اگر برجام احیا شود بتواند از منافع اقتصادی احیای برجام استفاده کند. این در حالی است که آمریکا تلاش می‌کند حداکثر امتیاز را از ایران بگیرد و کمتر امتیاز بدهد. از سوی دیگر نیز ایران با توجه به بحران اوکراین و درگیری روسیه و غرب به دنبال این است که چانه‌زنی بیشتری کند تا بتواند امتیازهای بیشتری به دست بیاورد

آیا در شرایط کنونی تلاش برای رسیدن به یک توافق محدود می‌تواند برای طرفین مثبت باشد؟

بله؛ در شرایط کنونی یک توافق با زمان محدود نیز می‌تواند زمینه را برای یک توافق بلندمدت فراهم کند. ایران به صورت روشن دنبال آن است که اگر توافق شود آمریکا بار دیگر به بهانه جدید تحریم‌ها را برنگرداند؛ یعنی نوعی تضمین برای آینده توافق که آمریکا زیر بار نمی‌رود چون اصولا چنین تضمینی را امکان پذیر نمی‌داند. نکته دوم اینکه ایران دنبال منافع روشن اقتصادی از برجام است. برجام نتوانسته منافع اقتصادی برای ایران داشته باشد زیرا سایه تحریم‌ها اعم از اولیه و ثانویه همچنان بر روند تحولات افکنده شده است. به همین دلیل آمریکا باید بپذیرد که حداقل تحریم‌هایی که ترامپ وضع کرده است لغو یا اجرای آن به حالت تعلیق درآید. آمریکا این بخش را محدود کرده به تحریم‌های مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای ایران در چارچوب برجام، آن هم حاضر به لغو آن نیست بلکه می‌خواهد طبق روال قبلی فقط اجرای آن تحریم‌ها با فرمان رئیس جمهور آمریکا هر ۱۸۰ روز تعلیق شود. نکته بعدی بحث خروج سپاه از لیست تروریسم است که آمریکا آن را خارج از برجام می‌داند و مدعی است اگر قرار باشد در این باره بحث شود باید ایران هم بپذیرد که درباره توقف پیگیری محاکمه افراد دخیل در به شهادت رساندن سردار سلیمانی تعهد بدهد. بحث بعدی درباره لغو تحریم‌ها علیه قرارگاه خاتم الانبیاست که آمریکا این را هم نپذیرفته است. به نظر می‌رسد هر دو طرف مایل به توافق با شرایط خودشان هستند و بر اساس تحلیل شرایط موجود تصور می‌کنند می‌توانند با چانه‌زنی بیشتر امتیاز کمتر بدهند و در مقابل امتیاز بیشتری به دست آورند. این مساله به نحو آشکاری تحت تاثیر جنگ روسیه در اوکراین قرار گرفته است زیرا جهان شاهد شکل گیری موازنه جدیدی در عرصه قدرت و نظم بین‌المللی است. در این موقعیت آمریکا به عنوان طرف اصلی مذاکرات سعی دارد در عرصه افکار عمومی خود را اهل منطق و مذاکره نشان دهد و طرف مقابل را عامل به نتیجه نرسیدن مذاکرات معرفی کند. در این مرحله آژانس بهانه‌ای مبنی بر پیدا شدن ذرات بسیار کم اورانیوم غنی شده زیر ۵ درصد در ۳ مرکز اعلام نشده پیدا کرده و موجب شده است که در عمل آمریکا و اسرائیل بتوانند از این سوژه برای فشار جدید روی ایران استفاده کنند؛ آمریکایی که به دلیل خروج از برجام در انزوای بین‌المللی قرار گرفت به طوری که دو بار در تصویب قطعنامه علیه ایران ناکام ماند.

با توجه به شرایط موجود آیا می‌توان نسبت به نتیجه برجام خوشبین بود؟

موضع گیری‌های دو طرف نشان می‌دهد بحث نحوه پایان دادن به تحریم‌ها و همچنین تضمین‌های لازم برای توافق و اجرای آن برای دو طرف سازوکار دقیقی ندارد که امیدواریم مشخص شود که در اینصورت توافق حاصل خواهد شد. از طرفی منطق عقلانی می‌گوید به دلیل بحران ناشی از جنگ اوکراین بهتر است ظرفیت کشوری مثل ایران که بالقوه می‌تواند دو تا سه میلیون بشکه نفت به بازار تزریق کند را به کار بگیرند. اگر آمریکایی‌ها به این جمع بندی رسیده باشند که برای بازار انرژی و ایجاد توازن در عرضه و تقاضا به تحریم‌های ایران به‌خصوص نفت و پتروشیمی پایان دهند، اقدام خوبی است که کمک می‌کند زودتر به نتیجه برسند ولی هنوز آمریکایی‌ها چنین چیزی را نشان نمی‌دهند. هرچند در تحلیل‌های منابع غربی چنین گفته می‌شود ولی عملا شاهد این نیستیم که واقعا آن را دنبال کنند. کسی نمی‌تواند پیش‌بینی کند که زمان توقف مذاکرات تا چه زمانی به درازا خواهد کشید اما می‌توان گفت که طولانی شدن این توقف به ضرر هر دو طرف است. مادامی که تحریم‌ها اثر دارد توقف مذاکرات و طولانی شدن مذاکرات به زیان دو طرف است. باید مانع طولانی شدن مذاکرات شد.

محسن روحی صفت در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

محور بی‌ثبات کننده در شرق ایران در حال شکل گیری است

- مهم‌ترین عنصر مبارزه با داعش در افغانستان کشته شد
- می‌خواهند ایران را از شرق در تنگنا قرار دهند

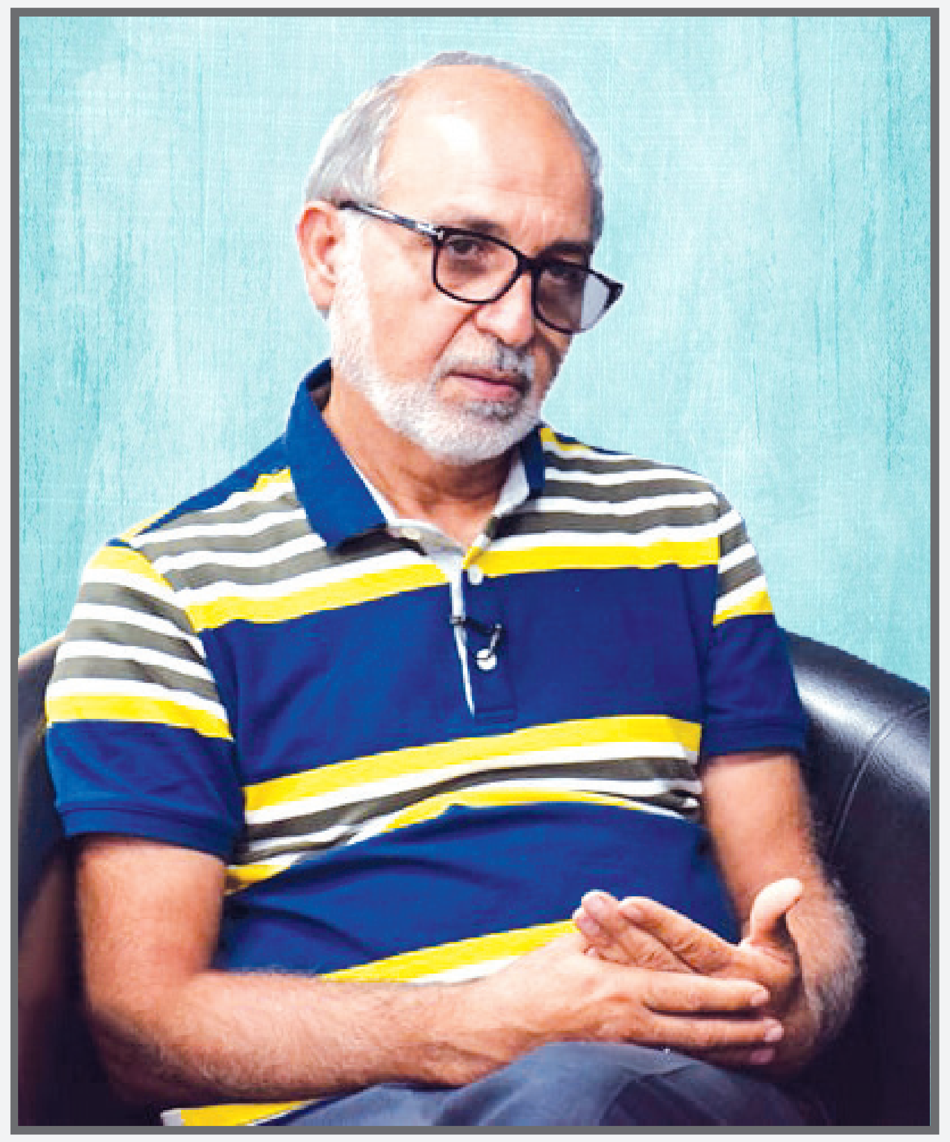

آرمان ملی- پورحسین: در روزهای اخیر وزیر امور خارجه ایران در گفت‌وگو با مسئول سیاست خارجی طالبان با لحنی کاملا جدی عنوان کرده است که مساله حقابه ایران از هیرمند حل نشود در سایر حوزه‌های همکاری دو کشور آثار منفی خود را نشان خواهد داد. وزیر امور خارجه ایران در گفت‌وگوی تلفنی با ملامتقی اظهار کرده است که تحویل حقابه ایران شاخص مهمی برای سنجش تعهدات هیات حاکمه سرپرستی افغانستان است. وی افزوده است که اگر مساله حقابه ایران از هیرمند با سرعت و جدیت حل و فصل نشود، در سایر حوزه‌های همکاری دو کشور آثار منفی خود را نشان خواهد داد. این در حالی است که بسیاری بر این باور هستند که طالبان در یک سال اخیر وارد یک بازی سیاسی شده است که جنبه‌های امنیتی آن می‌تواند برای ایران مساله‌ساز باشد. در همین راستا مقامات دولت طالبان هفته پیش اعتراف کردند که دولت طالبان داعشیان را از زندان‌ها آزاد کرد اما طی ۱۱ ماه گذشته توانسته است این گروه را در افغانستان تحت کنترل خود درآورد. اگرچه تاکنون دولت طالبان از زمان روی کار آمدن اتهامات وارده برای آزادسازی زندانیان گروه تروریستی داعشی را نمی‌پذیرفت اما این اظهارات جدید متقی اعترافی آشکار از سوی این گروه تازه به قدرت رسیده در کابل است که ثابت می‌کند رویه‌ای نرم‌تر را در قبال این گروه تروریستی در پیش گرفته است. گروهی که تا چندی پیش در غرب ایران، عملا به تهدیدی جدی بدل شده بود و ایران وارد تقابل میدانی با آن شده بود. در راستای بررسی این مسائل «آرمان ملی» گفت‌وگویی با محسن روحی‌صفت، تحلیلگر ارشد مسائل افغانستان و دیپلمات پیشین داشته است که در ادامه می‌خوانید.

آیا طالبان با آزادسازی نیروهای داعش به دنبال ایجاد تهدید امنیتی برای ایران و سایر کشورهای همسایه خود است؟

همه چیز از زمانی آغاز شد که آمریکا تصمیم گرفت از دولت قانونی کابل عبور کند و قدرت را تحویل طالبان دهد. این روند از مذاکرات دوحه میان طالبان و آمریکا آغاز شد و از همان مقطع زمانی گمان می‌رفت که یکی از اهداف بلندمدت آمریکا این است که آسیای میانه را برای ایران، روسیه و چین که هر کدام به شکلی با این مناطق هم مرز هستند، تبدیل به محلی ناامن کند و از این منطقه، این سه کشور را تحت فشار قرار دهد. یکی از خطرات احتمالی در این منطقه در سال‌های اخیر همواره حضور داعش و گروه‌های افراطی بوده است که در حال تقویت شدن بوده و خطراتی را ایجاد کرده‌اند. این رویه از سال گذشته تا به امروز به صورت جدی‌تر در دستور کار قرار گرفته و نشانه‌های جدی برای آن مشاهده شده است که یک اراده وجود دارد تا آسیای میانه و افغانستان را به محل تجمع گروه‌های تروریستی بدل کنند. در همین مقطع زمانی حملاتی به خاک کشورهای ازبکستان، تاجیکستان و ترکمنستان نیز شده است که منشأ این حملات خاک کشور افغانستان بوده است. در یک ماه گذشته نیز طالبان تاجیکستان اعلام موجودیت کرد که مشخصا این نیز یک تهدید جدی خواهد بود. به نظر می‌رسد یک محور ناامنی و بی‌ثباتی در مرزهای شرقی ایران در حال شکل گیری است که باید به صورت جدی نسبت به آن هوشیار بود. این محور از خاک پاکستان، افغانستان و کشورهای شمالی افغانستان به‌وجود خواهد آمد و پایه‌های آن نیز شکل گرفته است. این محور بی ثباتی و ناامنی مشخصا یکی از اهدافش می‌تواند محدود کردن ایران از شرق و نفوذ در مرزها و شرق ایران باشد که باید به صورت جدی با آن مقابله شود.

این محورسازی با چه اهدافی در حال شکل‌گیری است؟

امروز اگر قدرت‌هایی در جهان به دنبال برخورد با ایران هستند، یکی از ابتکارات آنها این است که شرق ایران را بی‌ثبات کرده و در شرق ایران یک محوری رادیکال ایجاد کنند. این محورسازی می‌تواند هزینه‌های زیادی به ایران تحمیل کند و از سوی دیگر می‌تواند مرزهای ایران را به شکلی جدی تهدید کند. به همین علت شاید می‌توان گفت که برخی کشورها می‌خواهند ایران را سرگرم مرزهای شرقی خودش کنند تا به سایر اهداف خود در قبال ایران دست پیدا کنند. برنامه‌هایی در جنوب، شمال و غرب ایران نیز در دستور کار قرار گرفته است تا ایران را به شکل‌های مختلف درگیر تنش‌های منطقه‌ای کنند. در همین راستا بود که مسائلی نظیر ناتوی عربی مطرح شد که البته تاکنون به نتیجه نرسیده است. آزاد کردن نیروهای داعشی در شمال افغانستان نیز بی‌ارتباط با خلق تهدید علیه ایران نیست و می‌خواهند به هر شکل ممکن تحرکاتی علیه ایران شکل گیرد. ایجاد ناهنجاری توسط گروه‌های تندرو نظیر داعش در آسیای میانه مشخصا هزینه‌هایی به ایران، روسیه و چین تحمیل می‌کند که در این میان شاید ایران به علت مرز طولانی که با افغانستان دارد، بیشتر در درگیر این مسأله باشد.

> ایران باید در ابتدا یک مدیریت در حوزه آب داشته باشد و به شکلی عمل کند که نیازمند حقابه از افغانستان نباشد و پس از آن از موضع قدرت وارد مذاکره با طالبان شود. باید توجه داشت که ایران نیز اهرم‌هایی در اختیار دارد که می‌تواند به‌وسیله آنها طالبان را تحت فشار قرار دهد. مشخصا آنها در زمینه‌های مختلف به ایران نیاز دارند و به همین علت نمی‌توانند در یک موضوع خاص به آن شکلی که دوست دارند، عمل کنند

با این وجود اظهارات پرتکرار مسئولان طالبان مبنی بر اینکه اجازه نمی‌دهند تا از طریق خاک افغانستان تهدیدی علیه همسایگان شکل گیرد، با چه اهدافی اظهار می‌شود؟

امروز حکومت طالبان یک حکومت یکدست نیست و به همین علت اظهارنظرهای متناقض از سوی مقامات این کشور شنیده می‌شود و حتی در عمل نیز بسیار متفاوت عمل می‌کنند. چندی پیش چهره‌ای به نام پیرآقا در افغانستان کشته شد. گفته شد که این شخص در سانحه رانندگی کشته شده است. او مهم‌ترین عنصر مبارزه با داعش در افغانستان بود و در سال‌های اخیر به‌شدت با داعش در افغانستان مبارزه کرد و توانسته بود آن‌ها را کنترل کند تا همین چند روز پیش کشته شد. در منطقه ننگرهار و جلال آباد شخص پیرآقا به شکل خوبی توانسته بود در مقابل داعش و سایر گروه‌های تکفیری ایستادگی کند و اجازه ندهد تا گروه‌های رادیکال در افغانستان گسترش یابند. او همواره همکاری‌های خوبی با ایران داشت و در مقابل تندروهای افغانستان ایستادگی می‌کرد. این نشان می‌دهد که دست‌هایی در کار است که می‌خواهد داعش را در افغانستان قدرتمندتر کند و دست این گروه را در افغانستان باز کند. هدف از این کار این است که بار دیگر افغانستان به سمت ناامنی گسترده برده شود و یا حتی زمینه‌هایی برای حکومت داعش در افغانستان ایجاد کند. پیرآقا یک عنصر بسیار مهم در افغانستان بود که در مقابل سلفیت ایستادگی می‌کرد. این نشان می‌دهد که در میان طالبان نیز در خصوص داعش اتفاق نظر وجود ندارد و ممکن است هر اتفاقی رخ دهد.

با این وجود حکومت طالبان در افغانستان در بلندمدت می‌تواند استمرار داشته باشد؟

تا زمانی که طالبان حکومتی فراگیر در افغانستان تشکیل ندهد و تمامی اقوام در آن مشارکت نداشته باشند، حکومت طالبان بر افغانستان متزلزل خواهد بود و نمی‌تواند در بلندمدت بر افغانستان حکومت کند. کشور افغانستان به گونه‌ای نیست که یک قوم در آن در اکثریت باشند و از اقوام و مذاهب مختلفی تشکیل شده که هر کدام بخشی از افغانستان هستند و به همین علت باید حکومتی فراگیر تشکیل شود تا کار به تنش نرسد. تا زمانی که فقط قدرت دست یک تفکر در افغانستان باشد همواره سایر مذاهب و قومیت‌ها در تضاد با آن گروه خواهند بود و علیه این گروه اقداماتی انجام می‌دهند. همین مسیر در بلندمدت سبب می‌شود تا حکومت طالبان پایدار نباشد. مگر اینکه بپذیرد قسمتی از قدرت را به سایر قومیت‌ها واگذار کند. طالبان حتی حقوق شهروندی را نیز صرفا بر اساس یک تفکر پیش می‌برد که این نیز برای آنها آسیب خواهد داشت. در چنین شرایطی سایر قومیت‌ها نیز به سمت حفاظت از قدرت مرکزی نخواهند رفت و افغانستان همچنان بی‌ثبات خواهد بود.

ایران مساله خود با طالبان را در خصوص حقابه به چه شکلی باید حل و فصل کند؟

مساله حقابه ایران در سالیان اخیر همواره مشکل‌ساز بوده و خیلی ارتباطی به دولت‌های مستقر در افغانستان ندارد. درست است برخی حکومت‌ها در افغانستان حقابه بیشتری به ایران داده‌اند اما اساسا همواره این مشکل وجود داشته است و ایران باید به این سمت حرکت کند که در ابتدا از داخل مشکل آب استان سیستان و بلوچستان را حل و فصل کند و پس از آنکه در موضع بی‌نیازی قرار گرفت، به سمت حل مشکل رود و حق خود را از افغانستان در خصوص حقابه بگیرد. این بهترین روش است زیرا اگر از در نیاز به سمت افغانستان برویم، آنها به این سادگی حقابه ایران را نمی‌دهند. این یک پیمان است و افغانستان موظف است که طبق پیمان حقابه ایران را بدهد اما ضرورت دارد در ابتدا از داخل مشکل خودمان را حل کنیم و پس از آن به سمت گرفتن حق‌مان برویم تا از نیاز ایران سوءاستفاده نشود. موضوع آب در اختلافات بین کشورها یک موضوع پیچیده است اما با این وجود ایران و افغانستان در این خصوص توافق کرده‌اند و امروز نیز عنوان می‌کنند که به این توافق پایبند هستند. امروز طالبان عنوان نمی‌کند که این توافق را قبول ندارد بلکه می‌گویند به آن متعهد هستند. امروز اختلافی که وجود دارد در خصوص نحوه اجرای توافق است. به این شکل که در سال‌هایی که خشکسالی رقم می‌خورد باید در خصوص حقابه مذاکره مجزا صورت گیرد. مسأله حقابه هیرمند جنبه‌های غیرحقوقی و سیاسی دارد به این شکل که باید به وضعیت دو کشور در این برهه زمانی نیز دقت کرد. ایران باید در ابتدا یک مدیریت در حوزه آب داشته باشد و به شکلی عمل کند که نیازمند حقابه از افغانستان نباشد و پس از آن از موضع قدرت وارد مذاکره با طالبان شود. باید توجه داشت که ایران نیز اهرم‌هایی در اختیار دارد که می‌تواند به‌وسیله آنها طالبان را تحت فشار قرار دهد. مشخصا آن‌ها در زمینه‌های مختلف به ایران نیاز دارند و به همین علت نمی‌توانند در یک موضوع خاص به آن شکلی که دوست دارند، عمل کنند. ایران فعلا باید مسیر دیپلماتیک را در پیش گیرد و از نگاه اغنا وارد رایزنی شود. آب باید یک مورد از مجموعه رایزنی‌های ایران و طالبان باشد و نباید به عنوان یک موضوع مستقل به آن رسیدگی شود. باید مقدماتی چیده شود و زمینه فراهم شود تا ایران بتواند از مسیرهای مختلف حق خود را از طالبان بگیرد.

> برای صلح و ثبات در افغانستان، افغان‌ها دور هم بنشینند و با هم حرف بزنند. هرچند ممکن است گفت‌وگو طول بکشد. بهتر از وضعیتی است که جنگی باشد و خیلی زود به نتیجه برسد. نتایجی که از طریق جنگ حاصل می‌شود پایدار نخواهد بود و از بین می‌رود اما اگر با تفاهم، گفت‌وگو و اجماع بتوانند مشکلاتشان را حل کنند، می‌تواند نتایج پایداری داشته و منافعی را برای مردم افغانستان به‌همراه بیاورد

افغانستان چگونه می‌تواند از بحران خارج شود و به سمت ثبات حرکت کند تا رابطه خوبی با همسایگان داشته باشد؟

در تحولات آینده این را به عنوان درس عبرتی باید داشته باشند که مردم افغانستان اصل موضوع هستند. مردم افغانستان را فدای موضوعات دیگری نکنند که آن موضوعات می‌تواند زودگذر باشد. موضوع دیگر تصمیم‌گیری داخل افغانستان است نه در خارج افغانستان کما اینکه این تجربه برایشان پیش آمده و می‌توانند از آن استفاده کنند که جنگ نمی‌تواند برایشان یک راه‌حل نهایی باشد. بایستی برای صلح و ثبات در افغانستان، افغان‌ها دور هم بنشینند و با هم حرف بزنند. هرچند ممکن است گفت‌وگو طول بکشد. بهتر از وضعیتی است که جنگی باشد و خیلی زود به نتیجه برسد. نتایجی که از طریق جنگ حاصل می‌شود پایدار نخواهد بود و از بین می‌رود اما اگر با تفاهم، گفت‌وگو و اجماع بتوانند مشکلاتشان را حل کنند، می‌تواند نتایج پایداری داشته و منافعی را برای مردم افغانستان به‌همراه بیاورد و با همسایگان نیز روابط خوبی داشته باشند. این تنها مسیر موفقیت سران قدرت در افغانستان است و باید به آن توجه داشته باشند.

حشمت‌ا...فلاحت پیشه:

پیشنهاد بورل یک طرح فصلی برای فروش نفت است

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل با اشاره به اینکه طرح جوزف بورل، مسئول سیاست خارجی اروپا یک طرح فصلی است، اظهار داشت: در این طرح یکسری مشوق‌ها برای ایران و آمریکا برای رسیدن به یک توافق حداقلی وجود دارد و به نوعی بر روی اشتراکاتی که دو طرف طی این مدت در طول مذاکرات به دست آورده‌اند، تاکید شده و خبری از اختلافاتی که ایران و آمریکا داشته‌اند، نیست. حشمت‌ا... فلاحت‌پیشه گفت: به این خاطر فصلی است که ایران بتواند با مشارکت در بازار انرژی، مشکلات اروپا بابت تامین انرژی را تا حدودی حل کند. در واقع طرح بورل نفت در برابر نظارت است، بدین معنی که تحریم‌های فروش نفت و گاز ایران برداشته خواهد شد و ایران می‌تواند در بازار انرژی جهان حضور پیدا کند، در طرف مقابل نیز ایران برخی از نظارت‌ها را می‌پذیرد که از این بابت دغدغه غربی‌ها نسبت به برنامه هسته‌ای ایران نیز رفع خواهد شد. وی افزود: به نوعی می‌توان گفت، در حال حاضر زمان برای احیای کامل برجام از بین رفته است، زیرا ایران برای احیای برجام از آمریکا تضمین خواسته که دولت بایدن این کار را نخواهد کرد، در مقابل نیز ایران تاسیسات هسته‌ای خود را تهی نخواهد کرد. همچنین انتقال سوخت هسته‌ای که به سختی به دست آمده به کشور ثالث، در چنین شرایطی برای ایران امکان‌پذیر نیست، بنابراین احیای کامل برجام ممکن نیست. این استاد دانشگاه اضافه کرد: معاهدات بین‌المللی در طول زمان قوام پیدا می‌کردند و اگر از زمان روی کار آمدن دولت برجام احیا شده بود، آن زمان حتی با روی کار آمدن شخصی مانند ترامپ نیز برجام به این راحتی‌ها از بین نمی‌رفت، اما الان با توجه به اینکه تا سه ماه آینده ترکیب کنگره ممکن است دستخوش تغییر شود، تا زمان انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، برجام لرزان بود، بنابراین در این شرایط طرح بورل می‌تواند یک توافق فصلی را ایجاد کند، که در برابر برخی از نظارت‌ها ایران بتواند نفت و گاز خود را بفروش برساند.

فـــرارو

یک نماینده مجلس:

دنبال امتیازهای زیادی نیستیم

- هر معامله‌ای کنیم، برجام «بُرد - بُرد» نخواهد شد

چند ماهی است از مذاکرات وین خبری نیست و هراز گاهی اظهار نظر و نقل قولی، چُرت برجام را آشفته می کند. خبر آنلاین در گفت‌وگو با لطف ا... سیاهکلی، عضو کمیسیون صنایع مجلس یازدهم به بررسی مسائل پیش روی احیای برجام پرداخته است :

یکی از نمایندگان مجلس اعتراض شدیدی به دولت بابت بی‌اطلاع گذاشتن مجلس از روند و نتایج مذاکرات برجامی مطرح کرده، شما با این اعتراض و اعتراضات پیشین مشابه آن، هم نظر هستید؟

دولتی‌ها می‌گویند توافقات را به مجلس می‌آورند، در مورد محتوای گفت‌وگوهای کنونی هم مجلس از آنها دعوت می‌کند و به کمیسیون‌ها می‌آیند و توضیحات را می‌دهند. دولت باید مجلس را در جریان قراردادها و مقاوله نامه‌ی‌های بین‌المللی بگذارد تا با تایید مجلس، نهایی شوند. اما در مورد گفت‌وگوها، الزام قانونی وجود ندارد، دولت می‌تواند به مجلس اطلاعات بدهد یا ندهد ولی اگر مجلس رادر جریان بگذارد، به نفع دولت است، چراکه نمایندگان، زمان تصمیم گیری می‌توانند کمک کنند تا دولت بهتر تصمیم بگیرد. بنابراین، اطلاع ندادن دولت به مجلس، مشکل قانونی ندارد ولی بهتر است که تعامل برقرار و اطلاعات لازم به مجلس داده شود.

چرا برجام گره خورده است؟

ما از جزئیات اطلاع دقیقی نداریم اما برجام، معامله‌ای در سطح بسیار بالاست، یک قرارداد بین دو همسایه و دو برادر نیست، یک قراردادی میان یک کشور در حال توسعه با چند ابرقدرت بزرگ جهانی است. طبیعی است که آنها می‌خواهند کمترین امتیاز را به ما بدهند، ما هم دنبال امتیازهای زیاد نیستیم ولی می‌خواهیم مشکلاتی را از سر راهمان برداریم که در اثر تحریم ایجاد شده است. بنابراین ما روی مواضع خودمان پافشاری می کنیم و آنها هم می‌خواهند با حداقل امتیاز ما را راضی کنند. ما یکبار راه برجام را رفته‌ایم و آنطور که آنها می‌خواستند آن را انجام دادیم، برجامی که امضاء شد مورد نظر خیلی از افراد در جامعه نبود چراکه آنطور که آنها می‌خواستند امضا شد ولی باز آن را نپذیرفتند. آنها به همان اندک‌هایی که در زمان امضا راضی شده بودند هم اکتفا نکردند و امتیازات را به ایران ندادند و رئیس‌جمهور آمریکا از آن خارج شد. آنها الان دست پیش گرفته‌اند که عقب نیفتند و می‌گویند ایران به برجام برگردد، ایران که در برجام هست و آنها باید به برجام برگردند. متأسفانه آنها با امپراتوری رسانه‌ای خود حرف‌ها را وارونه جلوه داده، افکار عمومی دنیا را به نفع خودشان رقم می‌زنند.

با این اوصاف، آینده برجام را چگونه می‌بینید؟

هر معامله‌ای کنیم، برجام «بُرد - بُرد» نخواهد شد، ما خارج از برجام پیشرفت‌های خود را داریم و کارهایمان را انجام می‌دهیم. اگر برجام نهایی شود، مزایای بهتری برای کشور ما ایجاد می‌شود. من موافق بازگشت ایران و آمریکا به برجام هستم. ما در طول این چهل واندی سال که جمهوری اسلامی به وجود آمده متعرض هیچ کشوری نبوده‌ایم و الان هم نخواهیم بود، ما به دنبال تهاجم نیستیم ولی حرف‌ها، گفتمان و روش‌های جدید و جدی داریم، قانون حقوق بشرمان را اصلاح می کنیم، اینها حرف‌هایی است که آمریکا آن را نمی‌فهمد، نه اینکه نفهمد نمی‌خواهد بفهمد. من در مجموع بازگشت به برجام را خوب می‌بینم.

ارتباط میان برجام و رفع چالش‌های اقتصاد ایران واقعی است یا خیر؟

برجام کمک‌هایی به ما می کند اما این نیست که مشکلات ما را حل کند، کمک‌های اندکی می‌کند، ارتباط بین‌المللی و امور بانکی را برقرار می‌کند اما مگر با برقرار کردن ارتباطات بین‌المللی بانکی مساله اقتصاد ما حل می‌شود. مگر کشورهایی نظیر ترکیه که در اطراف ما هستند مشکل محدودیت دارند، محدودیت ندارند ولی چرا تورم در این کشورها به عدد بالایی رسیده است ؟ ارتباطات بین‌المللی برای گره گشایی‌های اقتصادی تاثیر دارد اما اقتصاد قاعده خودش را دارد. ما باید مساله‌مان را در درون کشور حل کنیم، معتقدم ما در حوزه اقتصاد آنچنان دارای یک استراتژی و نقشه راه مشخص و دقیقی نیستیم، یعنی نسخه اقتصادی کشور را ننوشته‌ایم. وقتی این نسخه را ننوشته‌ایم اگر توافق کنیم و برجام باز شود فقط فروش نفت‌مان افزایش پیدا می‌کند و دوباره به جای اول بر می گردیم که با فروش نفت و آمدن پول همین اندک تولیداتمان هم تعطیل می‌شود، چراکه وقتی درآمد ارزی بالا برود باید ارز را چه کرد، باید واردات کنیم، بنابراین خسارت‌های سنگینی به ما وارد می‌کند. ما باید نسخه اقتصادی کشور را بنویسیم و از ظرفیتی که برجام ایجاد می‌کند به اصلاحات اقتصادی‌مان سرعت دهیم وگرنه برجام مشکل اقتصاد ما را حل نخواهد کرد وچون زیر ساخت آماده نیست گره هم خواهد زد.

پس به باور شما، دولت با همین دست فرمان پیش برود...

آقای رئیسی باید در حوزه اقتصاد برنامه‌هایشان را بیاورند، ما هنوز راه حل دقیقی نداریم و این آزاد سازی قیمت‌ها یکی از راه‌های اصلاحات اقتصاد است ولی در کنار آن باید توجه به معیشت و اشتغال مردم در نظر گرفته شود چون برای ما رضایت مردم مهم‌ترین موضوع است و نباید مردم شرایط سخت‌تر از اینکه هست داشته باشند، بلکه باید سال به سال به سمت رفاه و آسایش نزدیک شوند.